

Research Paper

Regional cold war of Iran and Arabia in the Yemen(2011-2020)

Reza Simbar*¹, Milad Pahlavan²¹ Full professor School of Political Sciences and International Relations University of Guilan² Master student of International Relations / Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan

10.22080/JPIR.2022.22030.1241

Received:

August 1, 2021

Accepted:

April 24, 2022

Available online:

May 31, 2022

Keywords:

Cold War, Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, Influence, Yemen

Abstract

The rivalry Iran and Arabia has tension Strongly Due to Yemen crisis in past years. Yemen as back yard has strategic importance for Riyadh and capture Sana capital Yemen by Houthis that from view of intellectual are affected from Islamic Revolution has take away restful sleep from Saudi authorities and Iran to accused to military and Political support from Yemen Ansarullah. Target Research is survey strategic rivalry Iran and Arabia in Yemen. The question this Research is, what from is the Regional rivalry between Iran and Arabia in the crisis in Yemen from 2011 to 2020 depicted? For answer this question, in this Research will be paid from the theoretical approach of structural realism and specially from the approach of threat balance Walt and explanatory method and whit use the the Resources of Library and Internet. Hypothesis us is the strategic rivalry of Iran and Arabia can to draw in format "Regional cold war" in awah historical and religious conflicts has Led to Geopolitical rivalry eventually to proxy war in the Yemen. In this regard, perception of threat by Arabia in expansion influence of Iran Increased tension in their relationships.

***Corresponding Author:** Reza Simbar**Address:** Full professor School of Political Sciences and International Relations University of Guilan**Email:** rezasimbar@hotmail.com

علمی پژوهشی

جنگ سرد منطقه‌ای ایران و عربستان در بحران یمن (۲۰۲۰-۲۰۱۱)

رضا سیمبر^{۱*}، میلاد پهلوان منگودهی^۲

^۱ استاد تمام علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان rezasimbar@hotmail.com
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان miladpahlavan75@gmail.com

 10.22080/JPIR.2022.22030.1241

چکیده

رقابت ایران و عربستان در سال‌های گذشته به واسطه‌ی بحران یمن در تنش شدید قرار گرفته است، به طوری که از آن به‌عنوان جنگ سرد تهران و ریاض نام برده شده است. یمن به‌عنوان حیاط‌خلوت برای ریاض از اهمیت راهبردی برخوردار است و تصرف صنعا پایتخت یمن به دست حوثی‌ها که از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی هستند، خواب آرام را از مقامات آل سعود سلب کرده است و ایران را متهم به حمایت سیاسی و نظامی از انصارالله یمن می‌کند. هدف پژوهش بررسی رقابت راهبردی ایران و عربستان در یمن است. پرسش پژوهش این است که رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان در بحران یمن طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰ به چه صورتی ترسیم شده است؟ برای پاسخ به پرسش پژوهش، از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری و به‌طور مشخص از رویکرد موازنه‌ی تهدید و الوت و روش تبیینی و از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. فرضیه‌ی ما این است که رقابت راهبردی ایران و عربستان را می‌توان در قالب «جنگ سرد منطقه‌ای» ترسیم کرد، به‌گونه‌ای که کشمکش‌های تاریخی و مذهبی به رقابت ژئوپلیتیکی و درنهایت منجر به جنگ نیابتی در یمن شده است. در این راستا، برداشت تهدید از سوی عربستان در قبال گسترش نفوذ ایران در یمن، سبب افزایش تنش در روابط دو کشور شده است.

تاریخ دریافت:

۱۰ مرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۰ خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

جنگ سرد، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، نفوذ، یمن.

* نویسنده مسئول: رضا سیمبر

ایمیل: rezasimbar@hotmail.com

آدرس: استاد تمام علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه گیلان

۱ مقدمه

جمهوری اسلامی ایران رقم زد و نفوذ ایران در منطقه افزایش پیدا می‌کند. افزون بر آن، حمایت‌هایی که ایران از حزب‌الله لبنان و حماس و دیگر گروه‌ها و جریان‌های شیعه اقدام می‌کرد و در کنار آن تضادهای ایدئولوژی و ژئوپلیتیک ایران و عربستان منجر به تنش روابط گردید. عربستان سعودی در سال‌های پس از سقوط صدام حسین با در پیش گرفتن برخی سیاست‌ها به نوعی درصدد مهار جمهوری اسلامی ایران بود. به‌گونه‌ای که نمی‌خواست بازیگران غیردولتی متحد جمهوری اسلامی قدرت و نفوذشان در منطقه افزایش پیدا کند.

در فرایند بیداری اسلامی که از سال ۲۰۱۱ با قیام مردم تونس آغاز شد، اعتراضات مردمی از شمال آفریقا به غرب آسیا کشیده می‌شود و شرایط برای رقابت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی فراهم می‌شود. یمن کشوری است که از تحولات بیداری اسلامی غافل نبوده و اعتراضات سیاسی علیه حکومت این کشور شکل گرفته بود و در نتیجه‌ی اعتراضات مردمی در سال ۲۰۱۲ علی عبدالله صالح از قدرت کنار گیری کرد و با تصمیم شورای همکاری خلیج فارس و حمایت آمریکا تحمیل قدرت به منصور هادی شد؛ اما رسیدن منصور هادی به ریاست جمهوری پایان اعتراضات سیاسی و ثبات در یمن نبود؛ بلکه ناکامی منصور هادی در تقسیم قدرت و وابستگی به خاندان آل سعود و غرب سبب می‌شود مجدداً اعتراضات علیه منصور هادی شکل بگیرد. حوثی‌ها که از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی بودند، دست به اعتراضات سیاسی علیه منصور هادی زدند و همزمان نیروهای القاعده در جنوب کشور تقویت شدند.

دامنه‌ی این اعتراضات در سال ۲۰۱۴ گسترش بیشتری گرفت و درنهایت معترضان صنعا پایتخت یمن را به به کنترل خود درآوردند و کاخ ریاست جمهوری را محاصره کردند. در این شرایط و اوضاع، رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه در اقدامی غیرمنتظره استعفای خود را به پارلمان این کشور اعلام کردند. اگرچه درخواست استعفا از سوی

منطقه‌ی خاورمیانه دارای یک سیستم آنارشی است که در آن دولت‌ها نسبت به رفتار و عملکرد یکدیگر بی‌اعتماد هستند، همچنین دولت‌ها در رقابت‌های مختلف با یکدیگر قرار گرفته‌اند. در میان این دولت‌ها، دو دولت قدرتمند منطقه‌ای ایران و عربستان حضور دارند که به‌شدت نسبت به یکدیگر بی‌اعتماداند. هر دو دولت برای افزایش نفوذ منطقه‌ای خودشان با یکدیگر رقابت می‌کنند؛ به‌طوری‌که می‌توان از اصطلاح جنگ سرد برای رقابت این دو دولت مزبور در منطقه نام برد. اصطلاح جنگ سرد برای اولین بار پس از پایان جنگ جهانی دوم در میانه‌ی قرن بیستم، برای رقابت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی تعریف و تلقی شده بود، زمانی که دو دولت آمریکا و شوروی در رقابت شدید ژئوپلیتیکی و ایدئولوژی با یکدیگر قرار داشتند. شبیه این جنگ سرد را می‌توان در حال حاضر در منطقه‌ی خاورمیانه و در رقابت دو دولت ایران و عربستان مشاهده کرد، به‌طوری‌که این دو دولت مزبور در طول دهه‌های گذشته در تنش و کشمکش با یکدیگر قرار داشتند.

تحولات پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، که با سقوط نظام شاهنشاهی و ایجاد یک رژیم انقلابی شیعه در ایران همراه بود، تحولات سیاسی در سال ۱۹۷۹ به ایجاد یک هویت جدید در منطقه گردید؛ به‌گونه‌ای که یک جمهوری اسلامی قدرتمند که منتقد نظام سلطنتی و مداخله‌ی غرب است در منطقه شکل می‌گیرد. این هویت جدید مستقیماً روابط ایران و عربستان سعودی را به مخالفت با یکدیگر تبدیل ساخته است. بر این اساس، در جنگ ۸ ساله‌ی عراق علیه ایران، ریاض به حمایت اقتصادی، سیاسی و نظامی از صدام حسین پرداخت تا از این طریق جمهوری اسلامی ایران را از سر راه خود بردارد. حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ منجر به سقوط صدام حسین و تغییر ساختار قدرت شد؛ اما این تحولات سیاسی در عراق با قدرت‌گیری شیعیان همراه شد، همین امر موازنه را به نفع

عربستان در قبال گسترش نفوذ ایران در یمن موجب افزایش تنش در روابط دو کشور شده است.

۲ پیشینه‌ی پژوهش

در ارتباط با رقابت و تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در بحران یمن که مسأله‌ی بسیار مهمی در خاورمیانه می‌باشد، آثار باارزشی توسط پژوهشگران و محققان این حوزه به فارسی و غیرفارسی نگاشته شده است. در این قسمت از پژوهش به چند مورد از این آثار اشاره می‌شود.

نجات و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی و با رویکرد مقایسه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران چه راهبردی را در قبال بحران یمن به کار گرفته‌اند؟ نویسندگان با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی تهاجمی باور دارند که عربستان تلاش کرده تا با تشکیل ائتلاف و تهاجم نظامی به یمن جنبش حوثی‌ها را از قدرت سیاسی حذف سازد و ایران نیز حمایت سیاسی و معنوی از این جنبش به عمل آورده است.

دهشیری و معبودی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، ضمن تبیین و تشریح عوامل بحران‌ساز در این کشور در قالب نظریه‌ی بحران‌های لوسین پای، در ادامه با تحلیل جهت‌گیری و سیاست‌های تهران در قبال یمن با در نظر گرفتن اصول کلی حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و توجه به شرایط امنیتی حاکم بر منطقه و با استفاده از نظریه‌ی مجموعه امنیتی باری بوزان و تلاش‌های عربستان سعودی برای امنیتی کردن امور منطقه‌ای می‌پردازند.

آدمی و بهادرخانی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه‌ی غرب آسیا و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با مطالعه‌ی موردی: یمن»، با در پیش

پارلمان پذیرفته نشد؛ اما مخالفان، این اقدام دولت منصور هادی را تلاشی برای وقت‌کشی دولت از خواسته‌های آن‌ها برداشت کردند و به اعتراضات خود با شدت بیشتری ادامه دادند.

تحولات سیاسی در یمن خیلی زود به مکانی برای رقابت راهبردی ایران و عربستان تبدیل می‌شود. عربستان سعودی همواره به دلایل هویتی، سیاسی، ژئوپلیتیکی و امنیتی نگاه ویژه‌ای به تحولات یمن در طول تاریخ داشته است و یمن به‌عنوان حیاط‌خلوت ریاض دارای اهمیتی راهبردی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران همواره با توجه به جایگاه راهبردی یمن در خاورمیانه و وضعیت مذهبی آن که شامل شیعیان زیدیه می‌شود، تحولات سیاسی این کشور عربی را از نزدیک دنبال می‌کند. از نظر عربستان سعودی ایران به دنبال نفوذ خود در یمن است و دستیابی حوثی‌ها به قدرت موجبات نگرانی امنیتی برای دولت ریاض فراهم می‌کند؛ زیرا از نظر آنان حوثی‌ها وابسته به جمهوری اسلامی ایران هستند و همین امر باعث افزایش نفوذ ایران در نزدیکی مرز عربستان خواهد شد. در چنین شرایطی، در یمن رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان شکل می‌گیرد. عربستان سعودی یک ائتلاف را شکل داده است و در حمایت از منصور هادی در سال ۲۰۱۵ به یمن حمله کرد که در حال حاضر جنگ و رقابت ایران و عربستان در یمن همچنان ادامه دارد. بنابراین، هدف مقاله‌ی حاضر بررسی رقابت راهبردی ایران و عربستان در یمن طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰ است. پرسش پژوهش این است که رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان در بحران یمن طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ به چه صورتی ترسیم شده است؟ برای پاسخ به سؤال از رهیافت نظری واقع‌گرایی ساختاری و به‌طور مشخص‌تر از رویکرد «موازنه‌ی تهدید» والت استفاده شده است. به‌گونه‌ای که رقابت راهبردی ایران و عربستان را می‌توان در قالب جنگ سرد منطقه‌ای ترسیم کرد که رقابت ژئوپلیتیکی منجر به جنگ نیابتی در یمن می‌شود. برداشت تهدید از سوی

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن»، از چارچوب نظری موازنه‌ی قوا بهره برده‌اند و با تأکید این نظریه بر برابری نسبی قدرت میان دو قدرت رقیب، فراهم شدن بستر نظری مناسبی برای بررسی و ارزیابی تغییر رویکرد محافظه‌کارانه‌ی سیاست خارجی عربستان به رویکرد تهاجمی پس از تحولات بهار عربی در یمن را مد نظر قرار داده‌اند. از نظر نویسندگان موازنه‌ی قدرت در یمن به سود و منفعت جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است و همین امر سبب می‌شود عربستان سعودی درصد بسط نفوذ و افزایش امنیت خود و متحدانش از یک سو و مهار گسترش نفوذ تهران در منطقه با هدف تضعیف محور مقاومت و با راهبرد موازنه‌سازی از سوی دیگر باشد.

دی وتا (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ سرد در خاورمیانه: پس از جنگ سرد تا اکنون»، به رقابت دو دولت قدرتمند منطقه‌ای ایران و عربستان به‌ویژه در کشور یمن پرداخته است. استدلال وی این بوده که رقابت دو دولت مزبور در راستای افزایش نفوذ خود نسبت به طرف مقابل بود؛ به‌طوری‌که اصطلاح جنگ سرد را برای رقابت ایران و عربستان در منطقه نام می‌برد.

ستمبرینی (۲۰۱۹)، در پژوهشی تحت عنوان «جنگ نیابتی میان ایران و عربستان سعودی: مطالعه‌ی موردی جنگ داخلی یمن»، ضمن اشاره به کشمکش و منازعه‌ی دو دولت ایران و عربستان در طول دهه‌های گذشته در منطقه، به رقابت این دو دولت مزبور در بحران یمن پرداخته و معتقداند که رقابت ایران و عربستان در یمن به شکل جنگ نیابتی بوده و هر دو دولت درصد بودند تا نیروهای نیابتی آنان قدرت را کسب نمایند.

پژوهش حاضر، ضمن بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته‌ی فوق، درصد است با استفاده از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری و به‌طور مشخص از رویکرد «موازنه‌ی تهدید» والت و با روش تبیینی رقابت راهبردی ایران و عربستان را

گرفتن روش توضیحی - تبیینی پس از توضیح وضعیت موجود در منطقه به تبیین و تحلیل چرایی شکل‌گیری موازنه‌ی قوا پرداخته‌اند و می‌نویسند عربستان سعودی جهت دست‌یابی به هژمونی منطقه‌ای، سیاست خارجی تهاجمی را در منطقه‌ی خاورمیانه دنبال می‌کند. در نقطه‌ی مقابل آن، جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال حمایت از متحدین استراتژیک خود می‌باشد تا در رقابت منطقه‌ای دست به موازنه‌سازی در برابر عربستان سعودی بزند. یمن یکی از کشورهایی است که عربستان سعودی در آن دست به سیاست تهاجمی زده است تا با استفاده از ابزار نظامی جلوی نفوذ تهران را بگیرد.

درج و امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «عربستان سعودی و استراتژی سد کردن قدرت ایران در منطقه‌ی خاورمیانه (مطالعه‌ی موردی تحولات یمن)»، تنش و کشمکش میان تهران و ریاض، به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای، سطح اختلافات و منازعات افزایش‌یافته و زمینه‌ساز رقابت و نفوذ بیشتر ایران در منطقه‌ی خاورمیانه، به‌ویژه در کشور یمن را بررسی کردند. در این پژوهش اشاره می‌شود که عربستان به دنبال سد کردن نفوذ ایران در یمن است. همچنین، استدلال نویسندگان این است که سیاست سدسازی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌ویژه در یمن با شکست روبه‌رو شده است.

برزگمهری و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «همسویی سازمان همکاری اسلامی با عربستان سعودی برای مقابله با ایران در بحران یمن»، ضمن تشریح زمینه‌ی شکل‌گیری بحران در یمن به نقش سازمان همکاری اسلامی در بحران مذکور پرداخته‌اند و با تأکید بر چارچوب آناتومی نفوذ، بیان می‌کنند که سازمان یادشده به‌شدت تحت تأثیر خواسته‌های عربستان سعودی قرار گرفته و مدافع جانبدارانه‌ای همسو با خواسته‌های ریاض علیه جنبش حوثی‌ها و جمهوری اسلامی ایران دارند.

دولت سیاست تهاجمی نبوده؛ بلکه سیاست تدافعی باشد. همین برداشت نادرست و اشتباه از نیت و مقاصد دولت پیامدهای منفی به همراه خواهد داشت و منجر به تنش در روابط خواهد شد. «تصور تهدید» چه واقعی و چه غیرواقعی موجب ترس و نگرانی دولت‌ها می‌شود و بر روابط دولت‌ها تأثیر نامطلوب می‌گذارد (Walt, 1987: 37).

ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر کلیدی در منطقه‌ی خاورمیانه می‌باشند که از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران روابط دو بازیگر به‌سمت تنش حرکت کرد. تنش‌ها و رقابت ایدئولوژیکی در میان ایران و عربستان سعودی در بسیاری از کشورهای ضعیف و شکننده در خاورمیانه به ایجاد یک وضعیت معمای امنیتی در روابط دو دولت منجر شده است (Huwaidin, 2015: 76). عربستان سعودی قابلیت، نیت و مقاصد جمهوری اسلامی ایران را در طول دهه‌های گذشته به‌عنوان یک تهدید برداشت می‌کرد. مقامات دولتی و امنیتی عربستان سعودی و متحدینش باور دارند که ایران عامل ناامنی و تهدید در منطقه است. به بیان دیگر، از نظر عربستان سعودی، ثبات امنیتی منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران مورد آسیب شدید قرار گرفته است (Bazegar & Agharebparast, 2012: 16).

فرایند بیداری اسلامی که منجر به تحولات سیاسی در یمن می‌شود، مد نظر دو بازیگر کلیدی ایران و عربستان قرار می‌گیرد. حوثی‌ها که متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند کنترل صنعا را بر عهده دارند و همین امر نگرانی مقامات سعودی را پدید می‌آورد و برداشت تهدید از سوی عربستان سعودی که ایران به دنبال گسترش نفوذ از طریق کسب قدرت توسط حوثی است به تنش در روابط دو کشور منجر شده است.

در بحران یمن در طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در این پژوهش، رقابت دو دولت ایران و عربستان در یمن به‌صورت «جنگ سرد» ترسیم خواهد شد، همچنین، به عواملی که باعث کاهش شدت جنگ سرد دو دولت مزبور در یمن می‌شود، پرداخته خواهد شد.

۳ چارچوب نظری

کنث والتز^۱ تئوری «موازنه‌ی قدرت» را مطرح کرده بود که به باور وی، دولت‌ها در وهله‌ی اول نگران امنیت خویش هستند (Waltz, 1979: 67). امنیت دولت‌ها در برابر قدرتمندترین دولت به چالش کشیده می‌شود، این در حالی است که استغفار والت^۲ تئوری «موازنه‌ی تهدید» را در مقابل «موازنه‌ی قدرت» والتز ارائه تعریف و تلقی کرده بود. والت باور دارد که امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت ترسیم شود، در برابر تهدید ترسیم می‌شود. در این خصوص، والت در نقد والتز از تمایز و تفاوت بین قدرت و تهدید استفاده می‌کند (Walt, 2008: 36).

والت بر این باور است که نگرانی امنیتی دولت‌ها نه در برابر قدرت، بلکه در برابر تهدید ایجاد می‌شود و نگرانی امنیتی موضوع ساده‌ای نیست که دولت‌ها آسان و به‌راحتی از آن عبور کنند. دولت‌ها از قدرتمندترین دولت‌ها نمی‌ترسند؛ بلکه از دولتی می‌ترسند که نسبت به دیگر دولت‌ها به‌عنوان تهدید ترسیم شود. تهدید به نوبه‌ی خود، تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیت و مقاصد تجاوزگرایانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیت و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار و سخت است. همچنین، نیت و مقاصد دولت‌ها ممکن است تغییر کند (Walt, 1987: 21-27)؛ بنابراین، ممکن است یک دولت از نیت و مقاصد دولت دیگر برداشت اشتباه و نادرست تهدید کند. یک دولت ممکن است رفتار و عملکرد دولت دیگر را به‌عنوان تهدید تصور کند؛ درحالی‌که قصد و نیت واقعی آن

² Walt

¹ Waltz

۴ کشمکش سیاسی ایران و عربستان سعودی پس از انقلاب اسلامی در خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی دو دولت قدرتمند رقیب در خاورمیانه هستند که روابط پیچیده‌شان موضوع بسیاری از مباحث آکادمیک بوده است (Gimenez Crioli, 2018: 295). از هنگام سرنگونی رژیم شاهنشاهی ایران و شکل‌گیری جمهوری اسلامی در سال ۱۹۷۹ روابط دو کشور به سمت تنش کشیده شد. عربستان سعودی انقلاب شیعی در ایران را به‌عنوان یک تهدید برای خود و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تصور کرد و به دنبال راهی بود تا جمهوری اسلامی را از سر راه خود بردارد و به همین دلیل در جنگ هشت ساله‌ی عراق و ایران در سال ۱۹۸۰، ریاض به حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و سیاسی از صدام حسین پرداخت.

حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ سبب سقوط صدام شد؛ اما تغییر ساختار قدرت به نفع شیعیان و کرد شد و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید افزایش پیدا کرد. چنین شرایطی مقامات دولتی و امنیتی عربستان سعودی را مجبور ساخت تا به سمت ایالات متحده آمریکا کشیده شود تا از امنیت خود در برابر تهران اطمینان حاصل کند (Bazegar & Agharebparast, 2012: 16).

بنابراین، آنچه که باید اذعان کرد، روند رقابت تهران و ریاض از سال ۲۰۰۳ گسترش بیشتری پیدا کرده و در سال ۲۰۰۶ منجر به صف آرایی‌های ژئوپلیتیکی در چارچوب گفتمان هلال شیعی گردیده بود. گفتمان هلال شیعی به مفهوم نقشه‌یابی ایدئولوژیک و هویتی ایران در کشورهای عربی غرب آسیا محسوب می‌شود. به همین دلیل است که رقابت‌های هویتی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان زمینه‌ی تبدیل رقابت به درگیری و تنش را اجتناب‌ناپذیر ساخته است (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). از منظر مقامات عربستان سعودی ثبات امنیتی

خاورمیانه توسط جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید شدید قرار گرفته است (Bazegar & Agharebparast, 2012: 16).

روند بیداری اسلامی زمینه‌های افزایش تضادهای بیشتر ایران و عربستان را به وجود آورد. بحران سوریه و بحرین منجر به تشدید رقابت‌های کشورهای منطقه‌ای شد. بنابراین، دوره‌ی جدیدی از تضادهای منطقه‌ای را می‌توان مشاهده کرد که عربستان را وارد «مرحله‌ی جنگ سرد» با ایران کرده است. نشانه‌های جنگ سرد را می‌توان در قطع روابط دیپلماتیک و محدودسازی قابلیت و فرصت‌های اقتصادی تهران از طریق حمایت از تحریم غرب علیه ایران در محیط منطقه‌ای دانست. ازسوی دیگر، نشانه‌هایی از جنگ نیابتی در عراق، سوریه و یمن مشاهده می‌شود. بدین ترتیب، در دوران جنگ سرد، نشانه‌هایی از جنگ‌های نیابتی با مفاهیم و قالب‌های هویتی و ژئوپلیتیکی شکل گرفته است. در این دوران، عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج فارس، ادبیاتی که به کار می‌گیرند ماهیت اتهام‌گرا دارد. مؤلفه‌ی هویتی و ایدئولوژیک سعودی برای کشورهای غرب آسیا، جنگ سرد منطقه‌ای ایران و عربستان را تشدید نمود (متقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۵). ایران و عربستان به‌لحاظ هویتی دارای زمینه‌های منازعه‌ی تاریخی و مذهبی بودند که تبدیل به رقابت ژئوپلیتیکی در شرایط کنونی می‌شود و در شکل یک رقابت نیابتی برای نفوذ منطقه‌ای به خود بازتاب می‌بخشد (رحمدل، سیمبر و جانسیز، ۱۳۹۸: ۲۷۸). یمن کشوری است که از لحاظ ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک برای عربستان سعودی و از لحاظ ایدئولوژیک و استراتژیک برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت بالایی دارد. تحولات سیاسی در این کشور و در پی آن رقابت ایران و عربستان بر سر نفوذ بیشتر در این کشور، تنش در روابط تهران و ریاض را افزایش داده است که در ادامه‌ی پژوهش به آن پرداخته خواهد شد.

۵ بحران یمن

فرایند بیداری اسلامی از سال ۲۰۱۱ با قیام مردم تونس آغاز شد و این اعتراضات مردمی از شمال آفریقا به غرب آسیا کشیده شد و وارد یمن شد. فقر، بیکاری گسترده، عدم توزیع عادلانه‌ی ثروت و قدرت و تبعیض‌های مختلف اجتماعی و سیاسی مهم‌ترین ویژگی‌های یمن در دوران تسلط قدرت علی عبدالله صالح و پس از وی، منصور هادی بوده است (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۴). در این راستا، بلافاصله پس از فرار زین العابدین بن علی از تونس، ناآرامی‌ها و تظاهرات گسترده‌ای در یمن رقم خورد. این کشور برخلاف مصر و تونس، بحران‌های متعدد و گوناگونی را پیش از دگرگونی‌های اخیر خاورمیانه از سر گذرانده بود. گسترش موج قیام ۲۵ ژانویه‌ی مصر، تب اعتراضات در یمن را تا حدی پایین آورد و جهت‌گیری اعتراضات را تا مدتی تحت تأثیر قرار داد و یمنی‌ها همچون سایر شهروندان عرب، روند اعتراضی در قاهره را رصد می‌کردند. به همین دلیل، بلافاصله پس از سقوط مبارک در ۱۱ فوریه‌ی سال ۲۰۱۱، تظاهرات گسترده‌ی یمنی‌ها با هدف سرنگونی علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن شروع شد (حسینی مقدم و یوسفی، ۱۳۹۶: ۸۵). عمده جریان‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی که در اعتراضات ۲۰۱۱ در مقابل حکومت عبدالله صالح صف‌آرایی کردند، عبارت‌اند از: جنبش جوانان و دانشجویان، حوثی‌ها، مردم جنوب، خاندان پرنفوذ الاحمر و گروه‌هایی از افسران ارتش که از حکومت صالح جدا شدند و به صف معترضان پیوستند (نیاکوئی و اعجازی، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۰).

در سال ۲۰۱۲ علی عبدالله صالح از قدرت کناره‌گیری کرد و با تصمیم شورای همکاری خلیج فارس و در رأس آن عربستان سعودی و حمایت ایالات متحده آمریکا تحمیل قدرت به منصور هادی شد؛ اما رسیدن منصور هادی به منصب ریاست جمهوری پایان اعتراضات سیاسی در یمن نبود؛ بلکه ناکامی منصور هادی در تقسیم قدرت و وابستگی به خاندان آل سعود و قدرت‌های غرب سبب می‌شود مجدداً

اعتراضات علیه منصور هادی شکل بگیرد. حوثی‌ها که از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی بودند، دست به اعتراضات سیاسی علیه منصور هادی زدند و همزمان نیروهای القاعده در جنوب کشور تقویت شدند.

دامنه‌ی این اعتراضات در سال ۲۰۱۴ گسترش و شدت بیشتری یافت و در نهایت معترضان صنعا پایتخت یمن را به کنترل خود درآوردند و کاخ ریاست جمهوری را محاصره کردند. در چنین شرایطی، رئیس جمهور، نخست وزیر و کابینه در اقدامی استعفای خود را به پارلمان این کشور اعلام کردند. گرچه درخواست استعفا از سوی پارلمان پذیرفته نشد؛ اما معترضان، این اقدام و کنش دولت را تلاشی برای طفره رفتن و خرید وقت دولت از خواسته‌های آن‌ها برداشت کردند و به اعتراضات خود با شدت بیشتری ادامه دادند (حسینی مقدم و یوسفی، ۱۳۹۶: ۸۱). منصور هادی که ناتوان در مقابله و کنترل معترضان بود به عربستان سعودی فرار کرد و از ریاض درخواست کمک کرد تا با استفاده از نیروهای خارجی معترضان را سرکوب سازد.

عربستان سعودی تحولات سیاسی در یمن در طول تاریخ را مد نظر قرار می‌داد و یمن همیشه در دایره‌ی نفوذ سعودی قرار داشته است. پادشاهی سعودی یمن را به‌عنوان منافع حیاتی خود در نظر می‌گیرد و نمی‌خواهد این کشور در چالش امنیتی قرار بگیرد و به‌راحتی و به‌آسانی آن را از دست بدهد (Huwaidin, 2015: 76). به همین دلیل است، تصرف صنعا به دست حوثی‌ها موجب نگرانی مقامات آل سعود گردید و در سال ۲۰۱۵ در حمایت از منصور هادی به یمن حمله کردند. در ادامه‌ی پژوهش به تبیین و تحلیل دلایل حمله‌ی نظامی ریاض به یمن، با توجه به جایگاه یمن در سیاست خارجی عربستان سعودی پرداخته می‌شود.

۶ عربستان و یمن

۶٫۱ جایگاه یمن در سیاست خارجی

عربستان سعودی

کشور یمن به لحاظ دو عنصر راهبردی ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در طول تاریخ در کانون توجه عربستان سعودی قرار داشته است. به لحاظ ژئوپولیتیکی، یمن موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فردی دارد که آن را از نظر راهبردی پراهمیت ساخته است. با نگاهی دقیق به نقشه‌ی جغرافیایی آن می‌توان به‌سادگی نسبت آبراه باب‌المنندب با خلیج فارس، دریای سرخ و اقیانوس هند و همچنین، شبه‌جزیره‌ی عربستان، غرب آسیا، شمال آفریقا و شاخ آفریقا را کاملاً درک کرد (احمدی و خسروی، ۱۳۹۵: ۸۳۴).

یمن در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه‌جزیره‌ی عربستان واقع شده است. اختلاف مرزی عربستان با یمن در طول تاریخ منجر به جنگ میان دو کشور گردیده بود و در اوایل ۱۹۳۰ یمن در جنگ از عربستان شکست خورد و توافق‌نامه‌ی طایف در ۱۹۳۴ امضا شد. بدین ترتیب، یمن به‌عنوان حیاط‌خلوت ریاض می‌بایستی در نظر گرفته شود و عربستان در طول تاریخ به این کشور نظر داشت، به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰ اتحادی که به بین دو یمن شمالی و جنوبی انجام گرفته بود با ترس و نگرانی از قدرت‌یابی بیشتر یمن واحد همراه شده بود.

عربستان سعودی به‌شدت مخالف وحدت دو یمن بود و این وحدت و تشکیل یمن بزرگ و قدرتمند را مقدمه‌ای برای تجدید نظر در قرارداد طائف و درگیری‌ها و مناقشات بین دو کشور می‌دانست؛ به همین دلیل به‌شدت با آن مخالفت می‌کرد. پس از وحدت دو یمن شمالی و جنوبی و با شروع جنگ تجزیه ۱۹۹۴، عربستان سعودی به تجزیه‌طلبان کمک کرده بود تا از طریق شکل‌گیری اختلاف مجدد در میان آن‌ها سبب بی‌ثباتی در یمن شود (کتاب سبز یمن، ۱۳۹۳: ۲۳۰).

به لحاظ ایدئولوژیکی و مذهبی یمن مد نظر عربستان سعودی قرار دارد. مردم یمن مسلمان و سنی و شیعه مذهب هستند؛ اما درعین حال ۳۵ درصد آن‌ها زیدیه هستند (نیاکوئی و اعجازی، ۱۳۹۵: ۴۵). حوثی‌ها نیز شیعه‌ی زیدیه‌اند و متأثر از انقلاب اسلامی ایران هستند. از سال ۲۰۰۴ تاکنون شش بار با دولت یمن وارد جنگ شدند. حسین الحوثی سردمدار مهم و اصلی این جریان در سخنرانی‌های خود مدام بر برائت از مشرکین، روز قدس، لزوم مبارزه با استکبار به‌ویژه سیاست قدرت‌های غرب و مبارزه با رژیم صهیونیستی سخن می‌گفت (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۱۰ - ۱۰۹). حوثی‌ها از جمله معترضانی بودند که در بیداری اسلامی علیه عبدالله صالح دست به قیام زدند و در دوران منصور هادی به‌دلیل تبعیض دولت علیه شیعیان، مجدداً اعتراضات علیه منصور هادی را شکل دادند و صنعا پایتخت یمن را به تصرف خود درآوردند. ریاض به‌شدت از آنان می‌ترسد و کسب قدرت توسط حوثی‌ها در یمن به کابوسی برای ریاض تبدیل شده است و تمام برنامه‌های ریاض را در یمن برهم زده است.

۶٫۲ رویکرد عربستان سعودی در قبال

بحران یمن

عربستان سعودی مهم‌ترین بازیگر و کنشگر منطقه‌ای در عرصه‌ی تحولات سیاسی در یمن است. این کشور از همان شروع، اعتراضات مردمی علیه حکومت علی عبدالله صالح را مورد توجه قرار داد. اهداف بنیادین سیاست خارجی عربستان سعودی محافظت از کشور در برابر آشوب و تهاجم خارجی، سلطه و حفظ ثبات داخلی رژیم آل سعود است. برای دستیابی به اهداف مزبور، پادشاهی سعودی خودش را به‌صورت فزاینده به‌عنوان یک بازیگر فعال و مداخله‌گر در خاورمیانه یافته است (Kamrava, 2018: 20).

یمن کشوری است که در شمال و غرب با عربستان هم‌مرز است. همین امر موجب می‌شود تا تحولات سیاسی این کشور مورد توجه ریاض قرار بگیرد. مقامات سعودی می‌دانند هرگونه چالشی

حمایت می‌شدند (Raghavan, 2016). بنابراین، دولت سعودی با توجه به نگرانی که نسبت به کنش و رفتار جمهوری اسلامی در یمن داشت، با ایران وارد رقابت برای نفوذ در یمن شد که در ادامه‌ی پژوهش بیشتر راجع به آن توضیح داده می‌شود.

۷ ایران و یمن

۷/۱ جایگاه یمن در سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یمن شمالی جزء اولین کشورهایی بود که در ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۷ جمهوری اسلامی را به رسمیت شناخت و یک هیأت ۱۵ نفری مرکب از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی به ریاست معاون نخست وزیر عازم تهران شد. در همان سال، سفیر یمن شمالی به دیدار امام خمینی (ره) شتافته و یک جلد کلام‌الله مجید را از طرف علی عبدالله صالح رئیس جمهور وقت تقدیم امام نمود. یمن شمالی به‌طور پیوسته خود را طرفدار انقلاب اسلامی نشان داده، ولی با توجه به روابط آن با کشورهای عربی و شرایط خاص این کشور، رفتاری محافظه‌کارانه در پیش گرفت و به نحوی عمل کرده که آن‌ها را از خود نرنجاند. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جمهوری یمن از عراق حمایت کرده و سربازانی را نیز در جهت کمک به صدام حسین به جبهه‌ی جنگ اعزام داشت (کتاب سبز یمن، ۱۳۹۳: ۲۵۳). این در حالی بود که یمن جنوبی از تهران حمایت کرده بود.

در ۱۹۹۰ یمن شمالی و جنوبی با یکدیگر متحد شدند و پس از این اتحاد، روابط ایران و یمن با فراز و فرود همراه شد. به‌طوری‌که با پایان جنگ تحمیلی و به دنبال آن، اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی تغییری در مناسبات تهران و صنعا ایجاد نکرد؛ زیرا جمهوری یمن همچنان تحت تأثیر سیاست‌های عربستان سعودی و کشورهای حوزه‌ی شورای همکاری خلیج فارس قرار داشت. علی عبدالله صالح به‌شدت به عربستان وابسته و متکی بود و سیاست‌های داخلی و خارجی خود را با رژیم آل سعود هماهنگ و هم‌سو

علیه حکومت یمن می‌تواند به داخل مرزهای عربستان سعودی کشیده شود، به‌ویژه آنکه حضور شیعیان در این کشور نگرانی امنیتی برای ریاض فراهم کرده است؛ زیرا شیعیان برخلاف تفسیر اسلام وهابی رفتار می‌کنند؛ درحالی‌که مقامات دولتی و امنیتی سعودی هر مدل مخالفت با تفسیر اسلام وهابی در منطقه را به‌عنوان چالش برای خود تعریف و تلقی کرده است.

به دنبال اعتراضات سیاسی در یمن، رئیس جمهور صالح تهی‌دست می‌شود و نخست وزیرش قدرت را به دست گرفته و رئیس جمهور یمن می‌شود. خانواده‌ی سلطنتی آل سعود با رئیس‌جمهور جدید روابط داشتند و مشکلی وجود نداشت. مشکل زمانی شکل می‌گیرد که حوثی‌های معترض کنترل صنعا را به دست می‌گیرند و رئیس‌جمهور هادی ناتوان در کنترل آن‌ها بود و نیاز به کمک خارجی داشت. اولین مداخله توسط عربستان سعودی رخ داد، با اطلاعاتی که رهبری سعودی‌ها کسب کرده بود، برای اینکه دولت منصور هادی را به قدرت بازگرداند (Hernandez & Donnelly, 2020: 35-36). در این راستا، ذکر این نکته لازم است، روی کار آمدن بن سلمان در سال ۲۰۱۵ و اعمال سیاست خارجی تهاجمی نسبت به اعتراضات سیاسی مردم و حوثی‌ها علیه دولت منصور هادی در یمن تأثیرگذار بوده است (Kamkar & Najafi, 2017). (Sayar, 2017).

عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ حملات هوایی خود را علیه حوثی‌های یمن آغاز کرد. در این راستا نیازمند به کمک بازیگران خارجی فرامنطقه‌ای داشت. به‌طوری‌که از این سال، ایالات متحده نیز با حمایت اطلاعاتی، لجیستکی و مشاوره‌ی نظامی رهبری عربستان سعودی را در یمن فراهم آورد (Dalton & Hijab, 2018). عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی منطقه، که شامل امارات متحده عربی و مصر می‌شدند، به دنبال بازگشت دولت منصور هادی به قدرت از دست معترضان حوثی بودند که این معترضان توسط جمهوری اسلامی ایران

برحق کمک گرفته است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی ارزیابی و تلقی می‌کند که سبب کاهش نفوذ غرب به-خصوص آمریکا در منطقه می‌شود. بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران با تلاش‌های عربستان سعودی و متحدان عربی و غربی آنان برای سرکوب اعتراضات به حق مردم یمن، بدون توجه به نقش حوثی‌ها و به قدرت رساندن جریان‌های وابسته به-شدت مخالف بوده است (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷: ۱۷). جمهوری اسلامی ایران حمله‌ی نظامی آل سعود و متحدینشان به یمن را محکوم کرده است و مقامات سعودی را عامل اصلی و اساسی بی‌ثباتی در یمن تعریف نموده است.

۸ جنگ سرد منطقه‌ای ایران و عربستان در یمن

بیش از یک دهه است ایران و عربستان در تقابل و کشمکش با یکدیگر در منطقه قرار دارند. در اوایل قرن بیست و یکم بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای ایران رشد پیدا کرده بودند. به گونه‌ای که سقوط صدام حسین با حمله‌ی نظامی آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق، فصل جدیدی را در امور منطقه-ای عربستان سعودی و ایران همانند دو ستون از قدرت منطقه‌ای پیکربندی کرده بود (Heydarian, 2010). تغییر ساختار قدرت در عراق سبب افزایش قدرت شیعی در این کشور شد. دیگر بازیگران غیردولتی متحد منطقه‌ای ایران نیز رشد پیدا کرده بودند. پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۵ فلسطینی-ها در برابر رقیبش فتح و افزایش موقعیت حزب‌الله لبنان در پی تجاوز اسرائیل به لبنان در تابستان ۲۰۰۶، بر قدرت و نفوذ ایران در خاورمیانه به هزینه‌ی عربستان سعودی افزود (جانسیز و بهرامی، ۱۳۹۲: ۳۰). در فرایند بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱ در کشورهای بحرین و یمن نگرانی مقامات سعودی افزایش پیدا کرده بود. این نگرانی مقامات سعودی نسبت به جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی همچنان تداوم دارد. آنچه که مسلم است بهره‌گیری

می‌کرد (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۶). باین وجود، جمهوری اسلامی ایران از یک طرف با توجه به حضور اقلیت شیعه در این کشور و وضعیت نامساعد و نامطلوب آنان، احساس وظیفه می‌کرد و از طرف دیگر، تنگه‌ی باب‌المنذب یک گلوگاه راهبردی با ارزش برای تجارت بین‌المللی و کشتیرانی و مسیر انتقال انرژی است، همین امر سبب شد تا تهران خواهان افزایش ارتباطات با این کشور باشد.

۷،۲ رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن

جمهوری اسلامی ایران منتقد سیاست علی عبدالله صالح در قبال شیعیان یمنی بود. در صحنه‌ی اولیه‌ی بیداری اسلامی، ایران از جنبش‌های اعتراضی حمایت می‌کند. از نظر مقامات دولتی و امنیتی ایران این اعتراضات به‌عنوان واکنشی توسط مسلمانان علیه دیکتاتوری‌های سکولار که مورد حمایت غرب قرار داشتند، شکل گرفته است (Duran & Yilmaz, 2013: 145). جمهوری اسلامی ایران به‌طور کلی تحولات اعتراضی یمن را در کنار موارد دیگری چون بحرین، لیبی، تونس و مصر در قالب بیداری اسلامی ارزیابی و ترسیم کرده که باعث کاهش نفوذ غرب در منطقه می‌شود. جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های عربستان سعودی و متحدان آن را برای مدیریت و کنترل تحولات یمن و به قدرت رساندن جریان‌های وابسته با نگرانی دنبال می‌کند و خواهان نقش‌آفرینی و حضور همه‌ی جریان‌های مذهبی و سیاسی در آینده‌ی یمن است (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۳۰).

تهران با توجه به گرایش حوثی‌ها به آرمان و ارزش‌های انقلاب جمهوری اسلامی و وجود پیوندهای فرهنگی و مذهبی طی دوره‌های تاریخی با شیعیان زیدی یمن که برای نزدیک هزار سال بر این کشور حکومت می‌کردند، همچنین به دنبال نادیده گرفته شدن این جریان از سوی حکومت مرکزی یمن، همواره به حمایت معنوی و سیاسی از جریان حوثی پرداخته بود (دهشیری و معبودی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). به بیان دیگر، تهران در یمن، از همان سیاست دفاع از یک گروه جمعیتی غیرقابل چشم‌پوشی با مطالبات

تبیین و تحلیل رفتارهای منطقه‌ای تهران و ریاض در خاورمیانه این است که آن را به صورت جنگ سرد ارزیابی نماییم. به باور وی، این دو دولت مزبور به صورت مستقیم و رو در رو وارد منازعه‌ی نظامی با یکدیگر نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها از طریق گروه‌های نیابتی‌شان برای افزایش نفوذ منطقه‌ای‌شان تلاش می‌کنند (Gregory, 2014).

با توجه به مطالب فوق، این طور می‌توان استدلال کرد که رقابت ایران و عربستان در طول دهه‌های گذشته در منطقه به صورت جنگ سرد منطقه‌ای بوده است. مصداق بارز جنگ سرد این دو دولت مزبور در عراق، سوریه و یمن قابل درک است؛ اما در یمن به شدت جنگ سرد افزوده می‌شود و به نوعی به اوج خود می‌رسد. سالیسبوری^۲ در این خصوص باور داشت که رقابت ایران و عربستان را در یمن به شکل جنگ سرد باید تعریف و تلقی کرد (Salisbury, 2015). در یمن از هر نظر شرایط برای رقابت تهران و ریاض مهیا بود. یمن کشوری ضعیف است و از لحاظ مذهبی حالت شکننده‌ای دارد و شرایط آن برای قطب‌بندی شیعی و سنی فراهم بوده است (Esfandiary & Tabatabai, 2016). افزون بر آن، یمن از لحاظ ژئوپلیتیکی در موقعیت راهبردی خوبی قرار دارد. آنچه مشخص است کشمکش بین این دو دولت مزبور منشأ تاریخی و مذهبی دارد، ولی در شرایط کنونی تبدیل به رقابت ژئوپلیتیکی شده است. به گونه‌ای که هر دو دولت برای نفوذ بیشتر در یمن با یکدیگر رقابت می‌کنند و نسبت به یکدیگر اتهامات گوناگون و متعددی بیان کرده‌اند. از منظر مقامات عربستان سعودی، ایران از طریق حوثی‌ها می‌خواهد نفوذ خود را در محیط امنیتی ریاض افزایش دهد. بر این اساس، جلوگیری از قدرتیابی شیعیان از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک ریاض در بحران یمن بوده است (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). به عبارت دیگر، ریاض انصارالله یمن را نماینده‌ی ایران می‌داند که مانند حزب‌الله رفتار می‌کند. در صورت

از رویکرد موازنه‌ی تهدید والت به درک این موضوع کمک می‌کند. والت باور داشت دولت‌ها از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند؛ بلکه از دولتی می‌ترسند که به عنوان تهدید تصور می‌شود. این گفته‌ی والت را می‌توان به تصور ریاض نسبت به جمهوری اسلامی ایران درک کرد. به طوری که مقامات سعودی نسبت به مقاصد و نیات ایران در منطقه برداشت تهدید دارند. حال این برداشت درست یا نادرست باشد، موجب واکنش ریاض علیه ایران در خاورمیانه شده است. همچنین، مقامات دولتی و امنیتی عربستان باور دارند که جمهوری اسلامی ایران به دنبال تغییر ساختار قدرت در منطقه به نفع خود است (Mossalanejad, 2018).

در خصوص بحث اصلی پژوهش که مبتنی بر جنگ سرد منطقه‌ای ایران و عربستان در یمن است. این مسأله مطرح است که رقابت ایران و عربستان در منطقه، به ویژه در کشور یمن به چه صورتی در جریان است. به نظر می‌رسد رقابت تهران و ریاض با توجه به پتانسیل‌های بی‌بدیل دو دولت برای نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای، در قالب «جنگ سرد» در خاورمیانه قابل ارزیابی است (سمیعی اصفهانی و موسوی، ۱۳۹۴: ۹۳). سرور، فرمانفرمایان و گاس تصور می‌کنند که تقابل ایران - عربستان را به دلیل نبود بعد نظامی مستقیم و رویارو، باید نوعی جنگ سرد منطقه‌ای تلقی کرد که برآمده از تنش‌های ایدئولوژیک و فرقه‌گرایانه‌ی شیعه و سنی بوده است. آن‌ها با این استدلال که جنگ سرد منطقه‌ای باعث تضعیف دو سوی قدرت و افزایش هزینه‌های تسلیحاتی این دو دولت مزبور شده است، معتقداند ایران - عربستان برای افزایش نفوذ خود ترجیح دادند که وارد درگیری مستقیم نظامی با یکدیگر نشوند. از این رو، گروه‌های نیابتی را برای این جنگ سرد منطقه‌ای به کار گرفته‌اند (به نقل از رحم‌دل، سیمبر و جانسیز، ۱۳۹۸: ۲۷۰). گریگوری^۱ نیز معتقد است بهترین چارچوب برای

² Salisbury

¹ Gregory

صحبت‌هایی مبنی بر این که تهران نیروهایی را از افغانستان برای کمک به حوثی‌ها ارسال کرده، مطرح شده است (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷: ۱۶). مقامات دولتی و نظامی عربستان سعودی بارها حملات موشکی و راکتی صورت گرفته از طرف حوثی‌ها به مراکز استراتژیکی مانند تأسیسات نفتی آرامکو و فرودگاه‌ها و پایگاه‌های نظامی عربستان را کار ایران دانسته بودند. از نظر آنان موشک‌ها متعلق به جمهوری اسلامی ایران بوده که به حوثی‌ها داده شده تا با آن به عربستان حمله کنند (Terrill, 2014).

آنچه به نظر می‌رسد امکان این که از شدت جنگ سرد ایران و عربستان در یمن در آینده کاسته شود، وجود دارد که این بستگی به قاطعیت دو طرف مقابل دارد. نتایج مذاکرات وین و مذاکرات و گفتگوهای دو دولت تهران و ریاض که در حال حاضر جاری است، بر شدت جنگ سرد دو دولت مزبور در یمن تأثیر خواهد گذاشت. به‌گونه‌ای که اگر نتایج مذاکرات وین و گفتگوهای دو دولت مثبت باشد، باعث کاهش شدت جنگ سرد دو دولت در منطقه و به‌طور خاص در کشور یمن خواهد شد؛ اما اگر روند مذاکرات وین و گفتگوهای دو جانبه‌ی تهران و ریاض با بن‌بست برخورد کند، بی‌شک باعث افزایش شدت جنگ سرد در رقابت دو دولت در یمن خواهد شد. بدیهی است در صورت این اتفاق هزینه‌های رقابت دو دولت در یمن افزایش پیدا خواهد کرد. در مجموع، به نظر می‌رسد شرایط برای رسیدن به یک توافق مثبت و کاهش جنگ سرد دو دولت ایران و عربستان در یمن وجود دارد که امیدواریم این اتفاق به‌زودی رخ دهد.

۹ نتیجه‌گیری

در این نوشتار به رقابت جاری قدرت بین ایران و عربستان سعودی در قبال بحران یمن پرداخته شد. از آنجا که بهبود درک و شناخت پدیده‌ها نیازمند چارچوب نظری مناسب است، در این پژوهش از چارچوب نظری واقع‌گرایی ساختاری و به‌طور

پیروزی انصارالله و تسلط کامل آن بر یمن، ضلع چهارم محور مقاومت و نفوذ بیشتر تهران در کشورهای عراق، سوریه و لبنان در منطقه شکل می‌گیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۳). همچنین، مقامات سعودی نگران هستند که با تسلط حوثی‌ها به خلیج عدن و تنگه‌ی باب‌المندب که شاهراه اصلی مسیر عبور نفت خلیج فارس به کشورهای مقصد بوده است؛ در صورت تحقق آن، تهران از آن به‌عنوان ابزار سیاسی و برگ برنده در منطقه برای چانه‌زنی با عربستان سعودی در موضوعات گوناگون استفاده کند (سمیعی اصفهانی و موسوی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). در مقابل آن، جمهوری اسلامی ایران نیز مدعی است که عربستان سعودی به دلایل عمده‌ای در یمن دخالت و به سرکوب شیعیان اقدام می‌کند که عبارت‌اند از: ممانعت از سرایت اندیشه‌ها و تفکرات شیعی در کشور خود، جلوگیری از گسترش حوزه‌ی نفوذ تهران در منطقه، توسل به بحران‌های خارجی با هدف انحراف افکار عمومی داخلی خود. همچنین، ایران ریاض را متهم می‌کند که تلاش دارد با پیوند دادن الحوثی و القاعده و بزرگ‌نمایی خطر شیعیان منطقه و گسترش نفوذ جمهوری اسلامی، ضمن به دست آوردن حمایت دیگر کشورهای منطقه، به دخالت نظامی در یمن و کشتار شیعیان یمنی وجهه‌ای مشروع بخشد (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۹). افزون بر آن، جمهوری اسلامی ایران حضور خود در یمن را در راستای امنیت‌زایی در منطقه ترسیم نموده است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵). اسرائیل با هدف تضعیف محور مقاومت که حوثی‌ها نیز شامل مجموعه‌ی آن می‌باشد، با هماهنگی با آمریکا در جنگ عربستان سعودی علیه یمن به ریاض کمک اطلاعاتی- امنیتی انجام می‌دهد (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۶۳). بی‌شک این کنش و اقدام اسرائیل در یمن موجب احساس ناامنی جمهوری اسلامی ایران و واکنشش در یمن می‌شود. از منظر مقامات عربستان سعودی جمهوری اسلامی ایران از حوثی‌ها حمایت نظامی می‌کند. به‌طوری‌که جمهوری اسلامی تسلیحات پیشرفته و مشاوران نظامی به یمن ارسال کرده، تا از حوثی‌ها حمایت کند. حتی از طرف آن‌ها

عربستان سعودی قدرت‌یابی شیعیان در کشورهای عربی متحد ریاض چالش امنیتی برای حکومت سعودی می‌باشد؛ به همین دلیل است که ریاض تصمیم گرفت از طریق ابزار نظامی صنعا پایتخت کشور را از حوثی‌ها پس بگیرد. «برداشت تهدید» از سوی عربستان در قبال گسترش نفوذ ایران در یمن از طریق کسب قدرت توسط حوثی‌ها خواب آرام را از ریاض ربوده است. دست‌آوردهای اخیر انصارالله یمن در حملات موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی آرامکو و دیگر مراکز استراتژیک و نظامی ریاض و ادعای آل سعود و غرب مبنی بر دست داشتن ایران در این حملات، گرچه بارها مقامات جمهوری اسلامی ایران این اتهامات را رد کرده‌اند، اما این برداشت تهدید از سوی عربستان باعث افزایش رقابت تهران و ریاض شده است و جنگ سرد دو دولت مزبور را در یمن شدیدتر کرده است. آنچه در پژوهش پرداخته شد این است که امکان این که از شدت جنگ سرد ایران و عربستان در یمن در آینده کاسته شود، وجود دارد که این بستگی به قاطعیت دو طرف مقابل دارد. نتایج مذاکرات وین و مذاکرات و گفتگو های دو دولت تهران و ریاض که در حال حاضر جاری است، بر شدت جنگ سرد دو دولت مزبور در یمن تأثیر خواهد گذاشت. نتایج مثبت مذاکرات و گفتگوهای مزبور از شدت جنگ سرد دو دولت در یمن خواهد کاست.

مشخص‌تر از رویکرد «موازنه‌ی تهدید» والت استفاده شده است و در این چارچوب نظری رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰ بررسی شده است. ایران و عربستان سعودی از زمان بدو انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ روابط سیاسی‌شان مورد اختلاف قرار گرفته شد و در موضوعات مختلف این اختلافات افزایش پیدا کرد. ایران و عربستان به لحاظ هویتی دارای زمینه‌های منازعه‌ی تاریخی و مذهبی بودند که تبدیل به رقابت ژئوپلیتیکی گردید. این تحولات در شکل یک رقابت نیابتی به خود بازتاب بخشید. به‌گونه‌ای که در فرایند بیداری اسلامی ایران و عربستان وارد یک رقابت راهبردی شدند که به‌ویژه در یمن شکل ملموس‌تری یافته است، به‌گونه‌ای که می‌توان اصطلاح جنگ سرد منطقه دو بازیگر را برای آن به کار برد. عربستان همواره به دلایل تاریخی، سیاسی و امنیتی نگاه ویژه‌ای به تحولات یمن داشته و یمن به‌عنوان حیاط‌خلوت عربستان ترسیم شده است. ایران هم با توجه به جایگاه راهبردی یمن در خاورمیانه و بافت جمعیتی آن که شامل شیعیان زیدیه می‌شود، تحولات سیاسی این کشور عربی را از نزدیک دنبال می‌کند. حوثی‌ها که از نظر فکری متأثر از انقلاب اسلامی هستند در جریان اعتراضات علیه منصور هادی، صنعا پایتخت یمن را تصرف کردند و همین امر نگرانی را برای ریاض فراهم کرد؛ زیرا از نظر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

منابع فارسی

- آدمی، علی؛ محمدرضا بهادرخانی (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه‌ی غرب آسیا و تأثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با مطالعه‌ی موردی یمن»، **فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی جهان اسلام**، سال هفتم، شماره‌ی ۴ زمستان، صص ۱-۲۳.
- ابراهیمی، شهروز و همکاران (۱۳۹۹)، «سیاست موازنه‌سازی عربستان در برابر ایران در یمن»، **فصلنامه‌ی علمی - پژوهش برنامه‌ریزی فضایی**، سال دهم، شماره‌ی یکم، بهار، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- احمدی، حمید؛ افسانه خسروی (۱۳۹۵)، «کالبدشکافی تهاجم عربستان به یمن: ژئوپلیتیک، محیط بحران‌زای داخلی و سیاست بین‌الملل»، **فصلنامه‌ی سیاست، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی**، دوره‌ی ۴۶، شماره‌ی ۴، زمستان، صص ۸۱۷-۸۳۸.
- برزگمهری، مجید و همکاران (۱۳۹۸)، «همسویی سازمان همکاری اسلامی با عربستان سعودی برای مقابله با ایران در بحران یمن»، **پژوهش‌نامه‌ی علوم سیاسی**، سال پانزدهم شماره‌ی نخست، زمستان، صص ۳۴-۷۴.
- جانسیز، احمد؛ سجاد بهرامی (۱۳۹۲)، «رقابت منطقه‌ای ایران و عربستان در خاورمیانه»، **فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه**، سال بیستم، شماره‌ی دوم، تابستان، صص ۲۹-۵۴.
- حسینی مقدم، ناهید؛ بهرام یوسفی (۱۳۹۶)، «راهبرد عربستان سعودی در قبال بحران یمن (۲۰۱۵ - ۲۰۱۰)»، **مجله‌ی**
- بین‌المللی پژوهش ملل**، دوره‌ی سوم، شماره‌ی ۲۵، دی ماه، صص ۷۹-۱۰۳.
- دهشیری، محمدرضا؛ فرشته معبودی (۱۳۹۶)، «ارزیابی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، **فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان**، سال پنجم، شماره‌ی نوزدهم، پاییز، صص ۶۰-۸۰.
- _ درج، حمید؛ سید جواد امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۸)، «عربستان سعودی و استراتژی سد کردن قدرت ایران در منطقه‌ی خاورمیانه (مطالعه‌ی موردی؛ تحولات یمن)»، **فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی انقلاب اسلامی**، سال نهم، شماره‌ی ۳۱، تابستان، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- _ رستمی، فرزاد؛ کامران لطفی؛ سعید پیرمحمدی (۱۳۹۷)، «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه‌ی مطالعات روابط بین‌الملل**، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۱، بهار، صص ۹-۳۵.
- رحم‌دل، رضا؛ رضا سیمبر؛ احمد جانسیز (۱۳۹۸)، «تحلیلی ساختارگرایانه منازعه‌ی ایران - عربستان سعودی»، **فصلنامه‌ی علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، دوره‌ی نهم، شماره‌ی سوم، بهار، صص ۲۵۶-۲۸۱.
- _ سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ سید احمد موسوی (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر برتری منطقه‌ای ایران بر الگوی رفتاری عربستان در قبال تحولات یمن»، **فصلنامه‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال ششم، شماره‌ی ۴۲، تابستان، صص ۸۵-۱۱۵.
- _ صادقی، سید شمس‌الدین؛ کامران لطفی (۱۳۹۵)، «بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی

نجات و همکاران (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، **فصلنامه‌ی مطالعات روابط بین‌الملل**، سال نهم، شماره‌ی ۳۳، بهار، صص ۱۳۷-۱۷۹.

نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۱)، **کالبدشکافی انقلاب-های معاصر در جهان عرب**، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

نیاکویی، سید امیر؛ احسان اعجازی (۱۳۹۵)، «واکاوای بحران امنیتی در یمن: علل و زمینه‌ها»، **فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره‌ی بیست و هشتم، پاییز، صص ۳۹-۶۲.

محور محافظ کاری با محور مقاومت اسلامی»، **فصلنامه‌ی علمی پژوهشی سیاست جهانی**، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی اول، بهار، صص ۴۱-۶۹.

کتاب سبز یمن (۱۳۹۳)، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

متقی، ابراهیم؛ مژگان پازن؛ مرجان کوهخیل (۱۳۹۵)، «نشانه‌ها و فرایند تصاعد بحران عربستان در مواجهه با ج.ا. ایران»، **نامه‌ی دفاع**، شماره‌ی پیاپی ۳۸، شماره‌ی دوم، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی - معاونت پژوهش.

منابع انگلیسی

Barzagar, Kayhan & Mohammad Reza Aghareb parast (2012), "security Architecture in the Persian Gulf: A comprehensive Appraisal", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol.3. Fall 2012. Pp. 7 - 28.

Dalton, Melize & shah Hijab (2018), "U.S. support for Saudi Military Operations in yemen", center for strategic and International studies (CSIS).

-Duran, Burhanettin & Yilmaz (2013), "Islam, Models and the Middle East: The New Balance of power Following the Arab Spring", **PERCEPTIONS**, Winter 2013, Volume XVIII, Number 4, pp.139 - 170.

-De vita, L (2019), "The Cold War in Middle East: Then to Now", **Atlantish Perspectief**, Volume (6), pp 34-37.

-Esfandiary, Dina & Ariane Tabatabai (2016), "Yemen: an Opportunity for Iran-Saudi Dialogue?", **The Washington Quarterly**, 155-174.

-Gregory, Gause (2014), "Boyond Sectarianism: The New Middle East Cold War", **Brooking Doha Center analysis**, Paper number 11, July 2014.

Gimenez cerioli, Luiza (2018), "Roles and International Behaviour: Saudi - Iranian Rivaalry in Bahrain and yemen Arab Spring", **Contexto Internacional**, Vol, 40 (2) Maylaug.

Hernandez, Lvo & Shawn Donnelly (2020), "Yemen a possible Strategic Stage for the Rivairly Between Saudi Arabia and Iran Since 2015", **Anastasié Odile Camille Danset**.

- Heydarian, Richard Javad (2015), "Iran – Saudi Relations: Rising Tension and Growing Rivairy", Foreign policy Dilemma in Saudi – Iranian Relations, **Review of History and Political Science**, December 2015, Vol. 3. No. 2, pp. 67 – 79.
- Huwaitin, Mohamed Bin (2015), "The Security Dilemma in saudi – Iranian Relations", **Review of History and Political Science**, December 2015, Vol. 3, No. 2. pp 67- 79.
- Kamkar, Mehdi, Rahman Najafi Sayar (2017), "Saudi Arabia s Foreign Policy: Dialectics of Agent-Strucher", **Iranian Review of Foreign Affairs**, Vol. 8, No 2, summer-Fall 2017, pp 51-77.
- Kamrava, Mehran (2018), "Hierarchy and Instability in the Middle East Regiobal Order", **International Studies Journal (ISJ)**, Vol 4, No 4 Spering, 2018, pp. 1 – 35.
- Mossalanejad, Abbas (2018), "The Middle East Security and Donald trump s Grand Strategy", **Geopolitics Quarterly**, Vo113, No 4.
- Raghavan, Sudarsan (2018), "Saudi Arabian Role in Yemen War Comes under yenewed", Washington post, Oct 31.
- Salisbury, Peter (2015), "Yemen and the Saudi-Iranian: Cold war", **The Royal Institute of International Affairs Chatham House**, Vol. 2.
- Settembrini, Maria (2019), " The Proxy War between Iran and Arabia: the case of the Yemen Civil War", **Instituto Universitario de Lisboa**.
- Terrill, W. Andrew (2014), "Iranian Involvement in Yemen" **Foreign Policy Research Institute**, summer 2014, pp 429-440.
- Waltz, Kenneth (1979), "Theory of International Politics", Vol. 5, New York: McGrawhil.
- Walt, Stephen (2008), "Alliance in a Unipolar World", *Survival*, Vol. 9. 17.
- Walt, Stephen (1987), "The Origins of Alliances", Ithaca: Cornell University Press.